

تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع)

خانم دکتر مهدوی^۱

الهی توکلی نژاد^۲

چکیده

با درک اهمیت تربیت اخلاقی، پرداختن به مباحث مربوط به اخلاق و به تبع آن تربیت اخلاقی از جایگاه رفیعی برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع) با استفاده از روش توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی مهمترین اصول، اولویت‌ها و روش‌های تربیت اخلاقی با تأکید بر نهج البلاغه را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مهمترین اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع): تأکید به رازداری، پرهیز از ستم، لجاجت، کینه جویی و خودپسندی، نهی از دروغ‌گویی، عیب جویی و سخن چینی و توصیه به صبر و وفای به عهد بوده است. از میان فضائل اخلاقی سه مفهوم: تقوا، زهد و صبر بیش از دیگر مفاهیم مورد تأکید و از میان رذائل اخلاقی نیز سه مفهوم: دنیا پرستی، کبر و بخل بیش از همه مورد نکوهش حضرت واقع شده است. همچنین از میان روش‌های تربیت اخلاقی، دو روش یادآوری مرگ و قیامت و عبرت‌گیری بیش از دیگر روش‌ها مورد استفاده حضرت علی (ع) قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اصول، اولویت، تربیت اخلاقی، حضرت علی (ع)

۱. استاد حوزه علمیه الزهراء (س) نطنز

۲. طلبه سطح دو حوزه علمیه الزهراء (س) نطنز

۱- مقدمه

تربیت اخلاقی، بدون تردید از مهمترین وظایف تعلیم و تربیت در هر جامعه است و هدف آن پرورش شهروندانی است که علاوه بر برخورداری از هوش و ذکاوت، افرادی با فضیلت، خیر و نیکوکار بار آیند. از سویی برخی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت اصولاً تعلیم و تربیت را اقدامی اخلاقی دانسته و رسالت اخلاقی تعلیم و تربیت را ایجاد شرایط مناسب آموزشی و پرورشی جهت بهزیستی نسل‌های آینده می‌دانند (کاظمی و بهرامی، ۱۳۹۱: ۴). در میان ابعاد گوناگون تربیت، ساخت تربیت اخلاقی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ تربیت انسان بدون پرورش اخلاق وی، تربیتی ناق و چه بسا زیانبار برای خود و جامعه خواهد بود. افراد زیادی هستند که با دارا بودن رتبه علمی و تخصصی، به دلیل بی‌بهره بودن از فضایل و صفات خوب اخلاقی، در میان مردم مقبولیتی ندارند و منشأ زیان‌های جبران‌ناپایر شده‌اند و خسارت‌های اجتماعی به بار آورده‌اند (وجدانی و شعبانیان، ۱۳۹۷: ۹۶).

با توجه به مسائل و مشکلات اخلاقی موجود در جهان، به‌ویژه در مدارس و جوانان، اخلاق و تربیت اخلاقی، یکی از مهمترین برنامه‌های جوامع مختلف و نظام‌های تربیتی جهان است. برخی کشورها مانند چین، کره و ژاپن، در برنامه درسی دوره‌های تحصیلی مدارس، ماده درسی خاصی به نام اخلاقیات در نظر گرفته‌اند (حسینی، ۱۳۹۴: ۶). اخلاق و تربیت اخلاقی، شاهره پیشگیری از آسیب‌های روانی، اجتماعی و هم‌چنین ریشه تمامی اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفاسد و ناهنجاری‌های جوامع است. به همین دلیل ارتقای اخلاق مندی در جامعه از جمله آرمان‌های بزرگ و دیرپای بشری و در طی تاریخ مورد توجه مکاتب گوناگون بشری و الهی بوده است و فیلسوفان تربیتی هیچ‌گاه از تکاپو برای فهم ساز و کار اخلاق و روش‌های تربیتی بر مبنای آن باز نایستاده‌اند (آبادی آرانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۶).

تربیت اخلاقی فرآیند زمینه‌سازی و به‌کارگیری شیوه‌هایی جهت شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و از بین بردن صفات، رفتارها و آداب ضد اخلاقی در خود یا دیگری است. با تأمل در این تعریف مشخص می‌شود که از یک زاویه تربیت اخلاقی دو رکن دارد: یکی شناخت فضایل و رذایل و رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی و دیگری به‌کارگیری شیوه‌ها جهت تقویت یا تضعیف آن‌ها. از این رو تربیت اخلاقی حیطه‌ای است که وام دار دو حوزه «اخلاق» و «تربیت» است؛ به این بیان که در رکن اول، از اخلاق و در رکن دوم از تربیت مدد می‌جوید و از آنجا که در اخلاق بیش‌ترین تأکید بر خودسازی و در تربیت بر دیگرسازی است، تربیت اخلاقی نیز خودسازی و دگرسازی را شامل می‌شود (همت بناری، ۱۳۹۰: ۵۴۱).

در اسلام اخلاق و مباحث مرتبط با آن، که پیوندی پایا با تزکیه و تهذیب دارد، دارای جایگاهی بس بلند و رفیع است. از این رو کاوش در نظام اخلاقی گرایش‌های گوناگون، در این دوران تعامل و ارتباط، امکان تبیین و نمود بیش از پیش حقانیت نظام اخلاقی و فکری کامل اسلام را در بردارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۶۱). دوران امامت و حکومت داری امام علی علیه السلام نشأت گرفته از منبع وحی بوده و با توجه به اهداف این حکومت که مهمترین آن احیای دین خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است، بدیهی است کارگزاران و مردمی که در چنین سامانه‌ای قرار می‌گیرند، باید به آداب تربیت اسلامی مودب باشند؛ لذا برای تدوین هدف‌های تربیت اخلاقی، مبنا باید هدف‌های تربیت اسلامی باشد (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۱).

تربیت اخلاقی از مهمترین اهداف بعثت انبیاء بوده و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ اسلامی، به‌ویژه سیره معصومین علیهم السلام دارد. این بحث، به‌ویژه مورد توجه خاص امام علی قرار گرفته و کمتر خطبه یا نامه‌ای از نهج البلاغه را می‌توان یافت که در آن سخن از مسایل اخلاقی به میان نیامده باشد. با مراجعه به سیره امام علی علیه السلام می‌توان هدف‌های تربیت اخلاقی را از دیدگاه آن امام بیان کرد. این اهداف تأکیدی است که امام علی ضمن احادیث، خطبه‌ها یا نامه‌ها و همچنین سیره عملی آنها را بیان، و یا در تربیت عملی از آن استفاده کرده‌اند. در مورد تربیت اخلاقی پژوهش‌هایی انجام گرفته است که از آن جمله می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره نمود:

فرمهمینی فراهانی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق (ع) نشان دادند که مبنای تربیت از منظر امام صادق شامل شش مبنای خداجویی و بندگی خدا، عقلانیت و اندیشه ورزی، کرامت، ضعف، هدایت پذیری انسان، جذبہ حسن و احسان است. اسدی (۱۳۸۹) در تحقیقی با نام روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام خمینی (ره) مشخص نمودند: روش حقیقی تربیتی روشی است که انسان را در جهت کمال سوق داده و در راستای تحقق فضائل اخلاقی و اجتناب از رذائل اخلاقی هدایت نماید. صمدی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر و اهل بیت (ع) سه مبنا استنباط، و از هر مبنا یک اصل و از هر اصل دو روش استخراج کرده‌اند. سلحشوری (۱۳۹۲) طی تحقیقی با نام مراحل رشد تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع) مشخص نمود که امام علی اخلاق را نوعی امکان در نظر می‌گیرد و با توجه به مراحل نفس در تبیین مراحل رشد اخلاقی به چهار مرحله بهیمی، درندگی، شیطانی و الهی اشاره دارد. وجدانی و شعبانیان (۱۳۹۷) در تحقیقی نشان دادند که هدف غایی تربیت اخلاقی از دیدگاه نراقی، تشبه به خداوند است؛ و بر این اساس، پیراستن نفس از رذایل، کسب معارف حقیقی و رسیدن به اعتدال در اخلاق، از هدف‌های میانی تربیت اخلاقی به شمار می‌آیند. در مجموع، به نظر می‌رسد پژوهش‌های یادشده، هر کدام به بخشی از مقوله تربیت اخلاقی از دیدگاه اندیشمندان مختلف پرداخته و همه مبانی تربیت اخلاقی و عناصر آن را در نظر نگرفته‌اند. لذا برای دستیابی به مدل جامع‌تر تربیت اخلاقی، انجام پژوهشی مستقل، مفید و ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، پرداختن به موضوع تربیت اخلاقی در هر زمینه‌ای، امری معقول و در حوزه اندیشه اسلامی نیز امری پسندیده و مورد تأکید است و آثار شگرفی در زندگی مادی و معنوی انسان به‌مراه خواهد داشت. با توجه به جایگاه رفیع تربیت اخلاقی، پرداختن به آن از دیدگاه بزرگان اسلام به ویژه حضرت علی (ع)، امری ضروری است. به همین منظور این تحقیق با هدف بررسی و تبیین تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع) به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد:

- الف. مهمترین اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع) کدام است؟
- ب. مهمترین اولویت‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع) کدام است؟
- ج. مهمترین روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع) کدام است؟

۲- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف؛ بنیادی، از لحاظ ماهیت و روش بررسی؛ توصیفی و از نظر پردازش داده‌ها نیز جز تحقیقات کیفی می‌باشد. بمنظور گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی بهره گرفته شده است، بدین ترتیب که با مراجعه به منابع و مآخذ علمی شامل کتاب‌ها، مجلات و نشریات ادواری موجود در کتابخانه‌ها و همچنین پایگاه‌های اینترنتی معتبر حاوی تحقیقات و مقالات علمی اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده است.

۳- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۳-۱- مهمترین اصول تربیت اخلاقی

الف. **جهاد با نفس:** جهاد با نفس که پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد (ص) از آن به عنوان جهاد اکبر نام برده اند، کلید متخلق شدن به اخلاق است. حضرت علی (ع) در مورد پیروی از هوای نفس به معاویه می‌فرمایند: «پیروی از هوای نفس، تو را به بدیها کشانده و در پرتو گمراهی قرار داده است و تو را در هلاک انداخته و راه های نجات را بر روی تو بسته است (دستی، ۱۳۸۳: ۳۱۵).

ب. **اجرای فرایض دینی:** ادای واجبات از مهمترین وظایف هر مسلمان است که امام در بستر شهادت به امام حسن و حسین علیهم السلام توصیه می‌فرمایند: «خدا را درباره نماز؛ چرا که ستون دین شماس. خدا را درباره جهاد با اموال و جانها و زبانهای خویش در راه خدا، بر شما باد به پیوستن با یکدیگر؛ مبدا از هم روی گردانید و پیوند دوستی را از بین

ببرید. امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدها بر شما مسلط می گردند آن گاه هر چه خدا را بخوانید جواب ندهد (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۴۴).

ج. پرهیز از خودپسندی: خود پسندی آن قدر زشت و مذموم است که حضرت علی علیه السلام درباره آن می-فرمایند: «سیئه و بدی که تو را اندوهگین سازد، نزد خدا بهتر است از آن حسنه و خوبی که تو را به خودبینی و خودپسندی وا دارد» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۵۳).

د. پرهیز از ظلم و ستم: ستم نیز یکی از صفات زشت اخلاقی است که امام علیه السلام در این خصوص به مالک اشتر می فرماید: «کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد، خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود و آن را که خدا را دگرگون نمی کند و کیفر او را نزدیک نمی سازد که خدا دعای ستمديدگان را در جای دیگر چنین بیان کرده است: «بدترین توشه برای روز قیامت، ستم بر بندگان است» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۵۳).

هـ. نهی از دروغگویی: یکی از بدترین صفات مردم در قاموس امام، دروغگویی است. حضرت علی علیه السلام در نامه به معاویه در این خصوص به او هشدار می دهد که: «همانا ستمگری و دروغ پردازی، انسان را در دین و دنیا رسوا می-سازد و عیب او را نزد عیب جویان آشکار می سازد» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۵۳).

و. صبر: از زیباترین صفات پسندیده اخلاقی، که امام علیه السلام نیز بدان عنایت ویژه داشته اند، صبر و تحمل و شکیبایی در راه حق است. ایشان در این خصوص در وصیت نامه خود به امام حسن علیه السلام می فرمایند: «برای حق در مشکلات و سختی ها شنا کن؛ شناخت خود را در دین به کمال رسان؛ خود را برای استقامت در برابر مشکلات عادت ده که شکیبایی در راه حق پسندیده است» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۱۵).

ز. پرهیز از لجاجت: از زشت ترین صفاتی است که باعث ضایع شدن اندیشه و تدبیر است. امام در خصوص عدم لجاج به مالک می فرمایند: «پس در مشکلات از خدا یاری جوی و درشتخویی را با اندکی نرمی بیاموز. در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن و در جای که جز با درشتی کار انجام نمی گیرد، درشتی کن» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۴۳).

ح. دوری از کینه جویی: مسلمان هرگز به جز برای خدا کینه به دل نمی گیرد و بخشایش را سرلوحه رفتار خود قرار می دهد. امام علیه السلام در عهد نامه مالک اشتر به ایشان می فرمایند: «بر بخشش دیگران پشیمان مباش و از کیفر کردن شادی مکن و از خشمی که توانی از آن رها گردی، شتاب نداشته باش» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۴۸).

ط. مذمت عیب جویی و سخن چینی: یکی از صفات زشت و مذموم اخلاقی، عیب جویی و سخن چینی است که نشان از کمبود ایمان و دل مردگی دارد. امام علی علیه السلام ضمن تذکر به مردم و کارگزاران در دوری از این رذیله و صفت زشت اخلاقی صریحاً در عهدنامه مالک اشتر به او می فرمایند: «از رعیت، آنان که عیب جوتر هستند از خود دوری کن» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۴۸).

ی. وفای به عهد: وفای به عهد نشانه ایمان و پرهیزکاری شخص مسلمان و عدم پایبندی به عهد، نشان از ستمکاری شخص دارد. امام در عهد نامه مالک به ایشان فرموده است: «در بستن پیمان، دست از بهانه جویی بردار؛ مبدا مشکلات پیمانی که بر عهده ات قرار گرفته و خدا آن را بر گردنت نهاده، تو را به پیمان شکنی وا دارد؛ زیرا شکیبایی تو در مشکلات پیمانها که امید پیروزی در آینده را به همراه دارد، بهتر از پیمان شکنی است که از کیفر آن می ترسی و در دنیا و آخرت نمی توانی پاسخگوی پیمان شکنی باشی. در همین باره امام فرموده اند: «ای مردم وفا، همراه راستی است که سپری محکمتر و نگهدارنده تر از آن سراغ ندارم» (دشتی، ۱۳۸۳: ۴۲).

ک. رازداری: رازداری از جمله صفات حسنه اخلاقی است که بویژه باید در بین کارگزاران باشد. امام علی در عهد نامه مالک اشتر به ایشان فرموده است: «مردم عیوبی دارند که رهبر امت اسلامی در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است؛ پس مبدا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه هویدا است بیوشانی که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان است؛ پس چندان که می توانی زشتی ها را بیوشان تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند، خدا برای تو بیوشاند» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۴۸).

۳-۲- مهمترین اولویتهای تربیت اخلاقی

۳-۲-۱- اولویتهای مهم در فضائل اخلاقی

از مهمترین واژه‌های اخلاقی در نهج البلاغه می‌توان به «تقوا»، «زهد»، «صبر»، «احسان»، «جود و بخشش»، «حسن خلق»، «امانت داری»، «تواضع»، «رفق و مدارا»، «حسن الظن» و «حیا» اشاره نمود. از میان این مفاهیم، سه مفهوم «تقوا»، «زهد» و «صبر» بیش از دیگر مفاهیم مورد تأکید امام بوده است (همت بناری، ۱۳۹۰: ۵۴۵).

الف. تقوا: تقوا یک مفهوم عام اخلاقی است که از ماده «وقی» اخذ شده و در اصل به معنای «خود را نگهداشتن» است. این موضوع در نهج البلاغه نیز مورد توجه بوده است. شهید مطهری در این زمینه گفته است: «مفهوم تقوا در نهج البلاغه، مرادف با مفهوم پرهیز حتی به مفهوم منطقی آن نیست؛ تقوا در نهج البلاغه، نیرویی است روحانی که بر اثر تمرین‌های زیاد پدید می‌آید و پرهیزهای معقول و منطقی، از یک طرف سبب و مقدمه پدید آمدن این حالت روحانی است و از طرف دیگر، معلول و نتیجه آن است و از لوازم آن به شمار می‌رود. اهمیت تقوا هم به لحاظ معیار کمی قابل اثبات است و هم به لحاظ معیار کیفی از نظر کمی این مفهوم بسیار مورد توجه امام علی علیه السلام بوده است و در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه کاربرد فراوانی دارد؛ طوری که این مفهوم و مشتقات آن، حدود یکصد بار در نهج البلاغه به کار رفته است (مطهری، ۱۳۵۸: ۲۰۰). تقوا مهمترین توصیه امام علی در وصیت و مواعظ به فرزندان و خویشان است. ماده «وصی» به صیغه متکلم، حداقل هیجده مورد در نهج البلاغه به کار رفته و پانزده مورد آن حضرت، هم چنین در وصیت به فرزندش، تقوا را محبوب ترین وصیت خود قلمداد می‌کند: «بدان ای فرزندم نزد من محبوب ترین چیزی که از این وصیت فرا می‌گیری تقوای الهی است» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۱۴۵). تقوا داروی شفا بخش بیماری‌های قلب و جسم است. قلب مرکز عواطف است و جایگاه ویژه‌ای در تربیت اخلاقی و دینی دارد و در صورت بیماری، زمینه خودسازی و کسب فضایل اخلاقی از بین خواهد رفت. یکی از آثار برجسته تقوا تأثیر آن در سلامت قلب و جسم انسان است. از جمله شیوه‌های تقویت تقوا عبارتند از:

۱- عبرت: عبرت از حوادث گذشته، یکی از روش‌های تقویت تقواست. علی علیه السلام در این زمینه فرموده است: «بی‌شک اگر برای کسی حوادث تاریخ که فراروی اوست عریان شود حاصل اش تقوایی خواهد بود که او را از ناسنجیده به آب زدن و در امواج فتنه فرو افتادن باز خواهد داشت» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۷).

۲- بیان آثار تقوا: حضرت در موارد متعدد به بیان آثار و نتایج تقوا پرداخته است؛ بطور مثال: «تقوای الهی کلید درست کرداری، اندوخته قیامت، موجب رهایی از هر بندگی و نجات از هر هلاکت است» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۱۲۵).

۳- یادآوری مرگ: حضرت در بازگشت از «صفین» وقتی به گورستان کوفه رسید چنین فرمود: «ای اهالی خانه‌های وحشت ز! خطه خشک و گورهای تاریک، ای خاکیان، ای غریبان، ای تنها ماندگان و ای وحشت زدگان! شما پیش از ما در گذشتید و ما به دنبال شما می‌آییم. خانه‌ها اشغال شد، همسران جفتی دیگر گرفتند و دارایی‌ها تقسیم گردید. این خبری است که ما داریم. شما چه خبر دارید؟» در این جا حضرت رو به یاران کرد و فرمودند: «اگر آنها اجازه سخن گفتن می‌داشتند بی‌گمان شما را خبر می‌دادند که بهترین توشه تقوا است» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۱۸۸).

ب. زهد: زهد به معنای دل‌ن بستن به دنیا و رها شدن از اسارت آن است. علی علیه السلام در دو جای نهج البلاغه حقیقت زهد را بیان کرده اند: «تمامی زهد در دو کلمه از قرآن خلاصه می‌شود: بر آن چه از دست داده‌اید اندوھگین نشوید و بر آن چه به دست آورده‌اید شاد نگردید. هر کس بر گذشته اندوه نخورد و برای آینده شادمان نشود بر هر دو جانب زهد دست یافته است». در جای دیگر فرموده است: «ای مردم! زهد عبارت است از «کوتاهی آرزو، سپاس گذاری هنگام نعمت و پارسایی نسبت به محرمات». از نظر کمی این مفهوم پس از تقوا، بیشترین کاربرد را در نهج البلاغه دارد. ماده «زهد» و مشتقات آن، بیش از بیست و پنج بار در نهج البلاغه ذکر شده است (مطهری، ۱۳۵۸: ۲۱۰). البته در بررسی معیار کمی، اکتفا به ماده زهد و مشتقات آن کافی نیست؛ چرا که زهد از مفاهیمی است که دارای واژه مترادف است و «زهد و ترک دنیا در تعبیرات نهج البلاغه مرادف یکدیگرند». آن حضرت زهد را اساس صبر و موجب

- **میراندن قلب.** امام علی علیه السلام وصف نافرمانان و دنیا دوستان فرموده است: «دوستی دنیا دلش را میرانده است» (دشتی، ۱۳۸۳: ۲۰۷).
- **اسارت انسان.** دنیا پرستی آزادگی انسان را می‌گیرد و او را بنده خود می‌گرداند: «دلش را میرانده، جان او شیفته دنیااست، بنده دنیااست و بنده هر که از دنیا چیزی در دست دارد، هر جا دنیا باشد در پی آن رود و هر جا روی آرد روی بدانجا کند...» (دشتی، ۱۳۸۳: ۲۰۷).
- **عدم آرامش.** دنیا دوستی و دنیا پرستی، آرامش و راحتی را از انسان می‌گیرد و امام علی (ع) در این زمینه فرموده است: «آن که دلش به دوستی دنیا شیفته است، دل او به سه چیز دنیا چسبیده است: اندوهی که از او دست بر ندارد، حرصی که او را نگذارد و آرزویی که آن را به چنگ نیارد» (دشتی، ۱۳۸۳: ۲۰۹). از جمله شیوه های درمان دنیاپرستی عبارتند از:
 ۱. **فناپذیری دنیا:** در ارتباط با بی‌ارزشی و ناچیز بودن دنیا تعابیر و روایات مختلفی در نهج البلاغه ارائه شده است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود: حضرت علی می‌فرماید: «دنيا خطبه ناپایداری است و مردم آن ناچار از گذشتن از شهر و دیار هستند» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۱۹)؛ «به ارجمندی و سربلندی دنیا دل مبنید و برای آن مبارزه نکنید و به آرایش و ناز و نعمتش شگفتی نکنید و شاد م باشید و از دشواری آن منالید که عزت و سربلندی آن رو به پایان دارد و زیور نعمت هایش رو به زوال» (دشتی، ۱۳۸۳: ۱۸۵).
 ۲. **همراهی شادی‌های آن با سختی‌ها:** حضرت علی در نهج البلاغه فرموده اند: «شادی آن آمیخته با اندوه است و صلاّت و نیروی مورد سنجش ناتوانی و ضعف همراه است» (دشتی، ۱۳۸۳: ۱۹۳)؛ «هیچ کس از دنیا شادمان نشد، مگر آن که در قرار گرفته است آن اشک وی را روان ساخت و هیچ کس در دنیا از شاد خواری به اقبالی نرسید، مگر آنکه دنیا او را به ادباری کشانید و به هیچ کس باران نرم و گیاه پرور و فراگیر نبارید، مگر آن که بارانی بلاخیز و سیل آسا بر او جاری ساخت. در بی‌وفایی دنیا همین بس که اگر بامدادان یار کسی باشد، شبانگاه به دشمنی او بر می‌خیزد و زندگی را بر او ناخوشایند می‌سازد» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۵۱).
 ۳. **عبرت از سرانجام دنیاپرستان.** حضرت از شیوه عبرت‌گیری جهت درمان دنیاپرستی بهره گرفته و سرانجام دنیاپرستان را مایه عبرت معرفی کرده است. برای نمونه پس از وصف دنیا و توجه دادن به زوال‌پذیری و زودگذری نعمت‌های آن فرموده اند: «آیا اگر بیندیشید و خود را به کار اندازید، در نظر شما از آثار پیشینیان چیزی نیست که شما را از دنیا باز دارد و در گذشته شما امر دیدنی و عبرت‌گرفتنی نیست؟» (همت بناری، ۱۳۹۰: ۵۵۲).
 - ب. **کبر:** کبر عبارت است از حالتی که انسان خود را بالاتر از شخصی دیگر ببیند و به برتری خود بر دیگران معتقد باشد (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۴۴). با توجه به آثار سوء و کاربرد مکرر این رذیله در نهج البلاغه، می‌توان ادعا نمود که این مفهوم پس از دنیاپرستی بیش از دیگر رذایل اخلاقی مورد نکوهش و مذمت امام علی علیه السلام بوده است. مفهوم کبر و مشتقات آن هم حدود سی بار در نهج البلاغه به کار رفته است. هم‌چنین در نهج البلاغه تعابیر و آثار سوئی برای این رذیله بیان شده که اهمیت آن را به اثبات می‌رساند. بطور مثال حضرت فرموده است: «حرص، کبر و حسد، انسان را به فرو افتادن در گناهان بر می‌انگیزانند» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۲۲۷). همچنین از کبر با عنوان دام بزرگ ابلیس و زهر کشنده یاد نموده است: «پس خدا را بپرهیزید از سرکشی در این جهان و بترسید از کیفر ناخوشایند ستم در آن جهان و پایان زشت خود بینی، که دام بسیار عظیم و فریفتن بسیار بزرگ، اوست؛ "دامی که" بر دل مردان راه یابد، چون زهر کشنده که در اندام‌ها شتابد، هیچ‌گاه از کار باز نماند و به خطا کسی را از مکر خود نرساند؛ نه دانشمندی را به خاطر دانش‌اش و نه مستمند به خاطر لباس فرسوده‌اش» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۸۱). از جمله راه‌های درمان کبر عبارتند از:
 ۱. **عبادت و عمل به واجبات.** یکی از راه‌هایی که برای پیشگیری و درمان خود بزرگ بینی در نهج البلاغه ارایه شده است، انجام عبادت و عمل به برخی واجبات است که از آن جمله می‌توان به نماز، زکات و روزه اشاره نمود. حضرت علی در این زمینه فرمود: «به آن چه در این کارهاست "نماز، زکات، روزه" بنگرید از سرکوبی جوانه‌های فخر و

بازداشتن نهال های خود پسندی». عبادت و واجبی که بیش از همه در نهج البلاغه به تأثیر آن در از بین بردن کبر تأکید شده، نماز است؛ چرا که «نماز مشتمل بر افعال و حرکاتی چون رکوع، سجده، قیام و قعود است؛ نمازگذار برای رکوع در نماز خم می شود، برای سجده بر زمین می افتد و هفت عضو بدنش با آن تماس می یابد و عضو برجسته خود یعنی پیشانی را بر خاک می ساید؛ بر می خیزد، می نشیند، دست به دعا و نیایش بر می دارد و همه این اعمال در فروتنی او مؤثر بوده و از کبر و خود پسندی او جلوگیری می نماید» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۸۱).

۲. عبرت از سرنوشت متکبران. امام علیه السلام در موارد متعددی در نهج البلاغه از سرنوشت متکبران سخن به میان آورده و با ترسیم سرانجام آن ها، دیگران را از این رذیله مهلک بر حذر داشته است. آن حضرت درباره ابلیس فرموده است: «آیا نمی بینید که چگونه خداوند او را به خاطر تکبرش کوچک ساخت و به سبب بلند پروازی اش پست نمود. پس در دنیا از خود دور کرد و برای او در آخرت، آتش افروخته آماده گرداند» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۸۱).

۳. یادآوری ضعف و ناتوانی های انسان. یکی از شیوه های مؤثر در دوری انسان از تکبر و خود بزرگ بینی، توجه کرده به نقاط ضعف و ناتوانی های قبل و بعد از تولد و پس از مرگ است. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه این نکته را همواره در نظر داشته و بر آن تأکید نموده است «لکن خداوند بندگانش را به سختی های گوناگون می آزماید و با مجاهدتها به بندگی وادارشان می نماید و به ناخوشایندها آزمایش می کند تا خود پسندی را از دل های شان بزدايد و خواری و فروتنی را در جان های شان جایگزین فرماید» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۲۳۰).

۴. یاد مرگ. حضرت علی علیه السلام در یکی از کلمات قصار، وقتی سخن از دور کردن فخر و کبر به میان می آورند، بلافاصله یادآوری مرگ و قبر را توصیه می نمایند: «فخر فروشی را رها کن و کبر را از خود دور کن و گور خود را بیاد آور» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۲۳۰).

ج. بخل: بخل معنایی نزدیک به «شج» دارد و در مقابل «جود» و «سخا»، به کار می رود؛ به این بیان که «شج» حالتی نفسانی است که سبب منع جود و بخشش می گردد، ولی بخل، همان منع و بخشش ننمودن است؛ هم چنان که «شج» در مقابل «سخا»، و «بخل» در مقابل جود است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۰۹). سه نوع بخل متصور است: بخل ورزیدن به مال خود برخود، بخل ورزیدن به مال خود بر دیگری و بخل ورزیدن به مال دیگری بر خود و مذموم ترین آن ها نوع اخیر است. بخل از آن گروه مفاهیم اخلاقی است که بسیار مورد مذمت امام علی علیه السلام واقع شده است. این واژه و مشتقات آن، حدود هیجده مورد در نهج البلاغه به کار رفته است و اگر موارد کاربرد مفهوم «شج» را نیز به آن اضافه کنیم، مجموع آن ها به حدود بیست و پنج مورد می رسد. (همت بناری، ۱۳۹۰: ۵۵۷). برای این مفهوم نیز تعابیر و آثار سوء زیادی بیان شده که شدت زشتی و پلیدی آن را مشخص می کند:

– **بخل سرچشمه بدی ها.** حضرت علی علیه السلام بخل را مجمع و سرچشمه همه بدی ها معرفی کرده است: «البخل جامع لمساوی العیوب و هو زمام یقاد به الی کل سوء؛ بخل سرچشمه همه زشتکاری ها است و مهاری است که انسان را به سوی همه بدی ها می کشاند».

– **بخل مایه عار و پستی انسان.** خواری و پستی مهم ترین اثر بخل ورزیدن است. علی علیه السلام فرموده است: «بخل مایه ننگ و پستی است». از جمله شیوه های درمان بخل عبارتند از:

۱. توجه به آثار سوء بخل. مهم ترین شیوه ای که در نهج البلاغه برای دوری از بخل مورد توجه قرار گرفته، بیان آثار منفی بخل است. علی علیه السلام در موارد متعددی به بیان آثار سوء بخل پرداخته اند و به نظر می رسد مهم ترین آثار سوء آن، در دو جنبه فردی و اجتماعی باشد که یکی به فرد و دیگری به افراد جامعه مربوط است و در قسمت اهمیت به آن ها اشاره شد (همت بناری ۱۳۹۰: ۵۵۷).

۲. تشویق به جود و بخشش. اهمیت این شیوه، از آن جهت است که بخشش یک شیوه عمل و رفتاری است و اگر انسان به طور عملی، هر چند از روی بی میلی و یا به خاطر انگیزه های دیگر، چیزی را به دیگری ببخشد، به تدریج

حالت شیخ در او تضعیف می شود. علی علیه السلام فرمود است: «مالهای خویش را در راه خدا انفاق کنید، از تنها بگیریید و به جان هایتان ببخشید و در بخشیدن از این به آن، بخل نورزید» (همت بناری ۱۳۹۰: ۵۵۷).

۳-۳- مهمترین روش های تربیت اخلاقی

نهج البلاغه کتابی است اخلاقی که مباحثی از تربیت اخلاقی از جمله بحث روش ها را در بردارد؛ هر چند که این مباحث غیر مدوّن است و به صورت پراکنده در متن سخنان حضرت وجود دارد و تنها با تامل و دقت قابل استنباط و عرضه است. اما آن چه در این بحث مهم است که بدانیم کدام یک از روش های تربیت اخلاقی، بیش تر مورد تأکید امام علی علیه السلام بوده و چگونه در نهج البلاغه مطرح شده است.

الف. یادآوری مرگ و قیامت: یادآوری مرگ و قیامت، از جمله روش هایی است که مربی می تواند با به کارگیری آن، نقش مهمی را در پرورش اخلاقی متربی ایفا نماید. انسان گاه چنان به دنیا و مظاهر آن دل می بندد و لذت های دنیوی چنان او را مسرور می نماید که از فضایل اخلاقی و کمالات انسانی بی بهره می ماند. در چنین وضعیتی، او نیازمند عامل نیرومندی است که زنگ خطر را برایش بنوازد، زنگارهای رذایل اخلاقی را از قبلش بزدايد و او را به کسب فضایل و انجام رفتارهای اخلاقی ترغیب نماید. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه از این شیوه بهره گرفته است. آن حضرت به عنوان یک مربی بزرگ، گاه چنان این شیوه را عملاً ترسیم کرده است که با مطالعه نهج البلاغه، هر خواننده منصف و هوشیاری را به وجد می آورد. از این رو می توان ادعا نمود که مهم ترین روش عام تربیت اخلاقی در سیره و کلام امام علی علیه السلام، یادآوری مرگ و جهان پس از آن است (همت بناری، ۱۳۹۰: ۵۵۸). واژه «موت» و مشتقات آن، حدود یکصد و بیشت و پنج بار در نهج البلاغه آمده است و اگر تعابیر گوناگونی که از قیامت شده را نیز به آن ضمیمه نماییم، آن گاه اهمیت و اولویت این روش، از نظر معیار کمی، بیش تر آشکار می شود. از نظر کیفی نیز تعابیر گوناگون و آثار مهم این روش، حکایت از اهمیت و اولویت به کارگیری آن دارد.

- **یادآوری مرگ:** امام علی علیه السلام در وصیت به فرزند خود امام حسن فرموده است: « دلت را با اندرز زنده بدار و با یاد مرگ آن را رام کن» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۱۵).

- **یادآوری مرگ شکننده لذت ها:** « وقتی در پی کارهای زشت بر می جهی، شکننده لذت را بیاد آورید و آن را که شهوات را ناخوش می سازد و رشته آرزوها را می کند» (دشتی، ۱۳۸۳: ۹۸).

- **غفلت از مرگ سبب دنیاپرستی:** « یاد مرگ از صحنه قلب های شما پنهان گردیده و به جای آن آرزوهای دروغین حضور یافته است. از این رو دنیا بیش از آخرت شما را در تملک خود دارد و در انگیزه تان، ارزش های گذرا بیش تر از ارزش های ماندگار مؤثرند» (دشتی، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

- **یادآوری قیامت و کسب تقوا:** « نفس خود را به تقوا ریاضت می دهی تا در روزی که پر بیم ترین روزهاست در امان باشد» (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۳۹).

ب. عبرت: اعتبار و عبرت به حالتی گفته می شود که انسان به واسطه آن از شناخت و مشاهده امری به چیز دیگری که مشهود نیست منتقل شود» (همت بناری، ۱۳۹۰: ۵۶۱). ماده عبر و مشتقات آن حدود شصت بار در نهج البلاغه به کار رفته است و آثاری برای آن بیان شده که نشانه اهمیت آن بر دیگر روش هاست.

- **مقدمه بصیرت و بینش:** حضرت علی علیه السلام فرموده است: « خداوند بیمارزد کسی را که بیندیشد تا عبرت بگیرد و عبرت بگیرد تا بصیرت یابد» (قائمی مقدم، ۱۳۸۰: ۸).

- **انذار دهنده:** حضرت علی علیه السلام می فرماید: « اندیشه آینه ای تابناک و پند و عبرت، انذار دهنده ای خیرخواه است» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۲۲۵).

ج. خودمیزانی: در میان روش هایی که برای تربیت اخلاقی در بعد اجتماعی وجود دارد، علی علیه السلام بر این روش تأکید بیش تری دارد و در نهج البلاغه به آن سفارش کرده است. آن حضرت در وصیت به امام حسن علیه السلام

فرموده است: «فرزندم خود را میان خویش و دیگری میزان قرار ده؛ پس آن چه برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آن چه را خوش نداری برای دیگران نیز خوش مدار؛ ستم نکن چنان که دوست نداری بر تو ستم رود و نیکی کن چنان که دوست داری به تو نیکی کنند» (دشتی، ۱۳۸۳: ۵۲۱).

۴- نتیجه گیری

تربیت اخلاقی، مجموعه‌ای از جمله اقداماتی است که به منظور آموزش اصول اخلاقی و پرورش فضیلت‌های اخلاقی مطلوب اسلام صورت می‌گیرد. شناخت دقیق اخلاقیات و روش‌های مربوط به آنها، از اساسی‌ترین عناصر تربیت اخلاقی است و تربیت اخلاقی مشتمل بر دو بعد خودسازی و دگرسازی است. غایت تربیت در اسلام، پرورش عبد صالح برای قرب الهی است و طبعاً هدف غایی تربیت اخلاقی هم همان مقصد نهایی تربیت اسلامی یعنی قرب الهی و رسیدن به کمال است. تحقیق حاضر با هدف بررسی و تبیین تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع) با روش توصیفی و با بهره گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. بر اساس نتایج به دست آمده سئوالات اصلی تحقیق نیز بررسی و به صورت زیر پاسخ داده شدند:

الف) مهمترین اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع) کدام است؟

امام علی علیه السلام در کتاب شریف نهج البلاغه، به اصول تربیت اخلاقی توجه نموده و به طور گسترده از مفاهیم اخلاقی یاد کرده‌اند. با بررسی نهج البلاغه مشخص گردید که مهمترین اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع) عبارتند از: تأکید به رازداری، پرهیز از ستم، لجاجت، کینه جویی و خودپسندی، نهی از دروغگویی، عیب جویی و سخن چینی و توصیه به صبر و وفای به عهد.

ب) مهمترین اولویت‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع) کدام است؟

از میان اخلاقیات مثبت، به ترتیب سه مفهوم: «تقوا»، «زهد» و «صبر» بیش از دیگر مفاهیم مورد تأکید حضرت علی علیه السلام و از میان اخلاقیات منفی، به ترتیب سه مفهوم: «دنیا پرستی»، «کبر» و «بخل» بیش از همه مورد نکوهش و تحذیر حضرت علی علیه السلام واقع شده است. نخستین اولویت تربیت اخلاقی در نهج البلاغه «پرهیز از دنیا پرستی و وابستگی به آن» است که حتی مقدم بر کسب تقواست؛ چرا که اولاً دو مفهوم «زهد» و «بخل» نیز مقدمه این مفهوم بوده؛ ثانیاً واژه دنیا و دنیا پرستی، از همه مفاهیم اخلاقی نهج البلاغه بیش تر به کار رفته است و ثالثاً در همه عرصه‌ها، به ویژه تربیت، رفع موانع نخستین گام موفقیت است و بدون خارج نمودن دوستی دنیا و مظاهر آن، دوستی فضایل و خوبی‌ها امکان پذیر نیست.

ج) مهمترین روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی (ع) کدام است؟

روش‌ها مهم ترین و اساسی ترین عناصر تربیت اخلاقی هستند و میزان تأثیر آن‌ها در تربیت اخلاقی نیز متفاوت است. بنابراین ضروری است روش‌های مهم تر و اساسی تر شناخته شوند و مورد استفاده قرار گیرند. در مورد اخلاقیات مثبت و منفی، روش‌های مختلفی در نهج البلاغه آمده است. از میان روش‌های تربیت اخلاقی، دو روش «یادآوری مرگ و قیامت» و «عبرت گیری» بیش از دیگر روش‌ها مورد استفاده حضرت علی علیه السلام قرار گرفته است. همچنین در خصوص جنبه اجتماعی تربیت اخلاقی، روش «خود میزانی» یا «خود را به جای دیگری انگاشتن» مهم ترین روش مورد نظر حضرت علی علیه السلام بوده است.

منابع و مأخذ

- احمد آبادی آرانی، نجمه و احمدی هدایت، حمید و رهنما، اکبر (۱۳۹۶)، تحلیل مبانی اخلاق و تربیت اخلاقی از دیدگاه ریچارد روتی و نقد آن از منظر علامه طباطبایی (ره)، اندیشه های نوین تربیتی، دوره سیزدهم، شماره ۴.
- اسدی، اکبر (۱۳۸۹)، روش های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام خمینی (ره)، کنگره ملی بررسی اندیشه های فرهنگی و اجتماعی حضرت امام خمینی (ره).
- حسینی، محمد (۱۳۹۴)، رویکردهای نوین در تربیت اخلاقی. تهران: انتشارات مدرسه.
- دشتی، محمد (۱۳۸۳)، نهج البلاغه، قم: انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین.
- زمانی، مصطفی (۱۳۶۹)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، انتشارات الزهراء، قم.
- سبحانی نژاد، مهدی و همکاران (۱۳۹۲)، بررسی تربیت مدنی از دیدگاه امام علی علیه السلام با تأکید بر نهج البلاغه، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۱۸.
- سلحشوری، احمد (۱۳۹۲)، مراحل رشد تربیت اخلاقی از دیدگاه حضرت علی، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۶)، ترجمه نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- صمدی، معصومه و دواپی، مهدی و اقبالیان، طاهره (۱۳۹۱)، مبانی، اصول و روشهای تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۱۶.
- عزیزی، عباس (۱۳۸۱)، نهج البلاغه موضوعی، انتشارات صلاه، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- فرمehنی فراهانی، محسن و میرزامحمدی، محمد حسن و امیرسالاری، علی (۱۳۸۸)، بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق (ع) مبانی، اصول و روش های تربیتی، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال شانزدهم، شماره ۳۹.
- قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۰)، عبرت و تربیت در قرآن و نهج البلاغه، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۲۷.
- کاظمی، محمود و بهرامی، بهرام (۱۳۹۱)، بررسی مفهوم شناختی تربیت اخلاقی، سومین همایش ملی بزرگداشت سهروردی با موضوع اخلاق کاربردی، زنجان، دانشگاه زنجان.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴)، اخلاق در قرآن (معارف قرآن ۷) جلد اول، چاپ هشتم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ پنجم، قم.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقيق فی کلمات قرآن الکریم، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، سیری در نهج البلاغه، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، قم.
- نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۸)، جامع السعادات، ترجمه کریم فیضی، انتشارات قائم آل محمد، قم.
- هاشمی شاه قبادی، رضا (۱۳۹۰)، سیره تربیتی امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق، ناشر: مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)، شماره سوم.
- همت بناری، علی (۱۳۹۰)، بررسی اولویت های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه، مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع).
- وجدانی، فاطمه و شعبانیان، محمدرضا (۱۳۹۷)، تربیت اخلاقی از دیدگاه محمد مهدی نراقی، مجله اخلاق و حیانی، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، بهار و تابستان ۹۷.